

تکمیل نموده است با علامت * در داخل متن کتاب مشخص نموده است.

۱۶۹۷ شرح حال در این اثر عنوان گردیده است که مجموعه‌ای در خور توجه و عنایت است. در صفحه سیزده - پانزده به هنگام ذکر منابع اصفهان شناسی در قرن سوم - نهم مجموعه‌آده عنوان کتاب معرفی گردیده که به اذعان مصحح از پنج عنوان آن نسخه‌ای بر جای نمانده است. با این حال مصحح در صفحه پانزده عنوان می‌نماید که مورخان از کتب دیگری درباره اصفهان نام برده‌اند که نسخه‌ای از آنها باقی نمانده و از ذکر آنها صرف نظر شده است.

نکاتی چند در خصوص اثر فوق:

- برخی از اعلام اضافه شده به اثر افراد در قید حیات اند. این امر در کتب اعلام معمول نبوده و طبق روال این گونه آثار پرداختنی به گذشتگان است. البته از جهاتی این امر نوعی سنت شکنی است و شاید در خور تقدیر.

- ارائه فهرست منابع به علت شباهت‌های متعدد در اسامی کتب امری لازم و ضروری است.

- ارائه فهرست کامل مکان‌ها و اشخاص در پایان اثر می‌توانست بر غنای آن بیفزاید که متأسفانه جای آن خالی است.

- در صفحه ۴۵۳ شرح حال احمد گیلانی یا کلاتی عنوان گردیده و در صفحه ۴۵۶ همین شرح حال برای احمد کلامی آمده است، در صورتی که صاحب عنوان یک فرد است.

- در صفحه ۵۷۷، ۵۷۹ و ۵۸۰ شرح حال اسماعیل کاغذی مدینی آمده و صاحب شرح حال یکی است.

- کتاب فوق حروف «آ و الف» را دربر دارد و جلد اول این مجموعه است، منتها در پشت یا عطف کتاب به جلد اول بودن آن اشاره نشده است.

- جای بسی تأسف است که چنین اثر ارزشمندی با چنین تیراژی (هزار نسخه) آن هم در شهری با چنین سابقه فرهنگی غنی‌ای که افتخار پایتخت فرهنگی جهان اسلام را کسب نموده منتشر گردد، امید است مجلدات بعدی اثر با شمارگان بیشتری عرضه جامعه فرهنگی گردد.

- تعداد در خور توجهی از شرح حال‌ها منبع و مأخذی ندارند.

- تعداد در خور توجهی از شرح حال‌ها با توجه به عنوان کتاب هیچ ربطی به اصفهان ندارد، همچون شرح حال اسماعیل فرهنگ چالشتی که متولد و متوفای چالشت لرستان است (ص ۵۸۹).

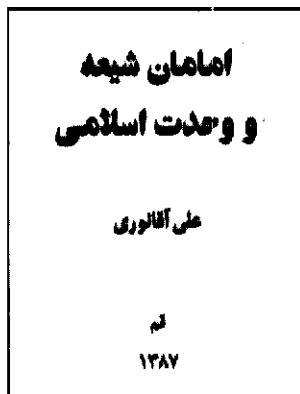
- در برخی از شرح حال‌ها به وجود یک اثر استناد گردیده و

از تولد و وفات و شرح زندگانی ایشان سخنی به میان نیامده است، مثلاً در شرح حال محمد اسماعیل جوشقانی (در منطقه کاشان) آمده در ربیع الثانی ۱۲۷۰ ق کتاب شرح صمدیه سید محمد حسین بن علی حسین کاشانی را رونویسی نموده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آقای مهدوی موجود است (ص ۵۸۳). یا در شرح حال محمد اسماعیل نجف آبادی نوشته شده در سال ۱۲۲۸ ق نسخه‌ای از کتاب حلیۃ المتقین علامه مجلسی را کتابت نموده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد الزهراء اصفهان موجود است (ص ۵۹۲).

اگر مصحح محترم به جای ذکر اعلام متأخرین به تکمیل چنین شرح حال‌های بی‌سروتهی اقدام می‌نمود، قطعاً زحمت ایشان نمود بیشتری داشت. امید است ان شاء الله سایر مجلدات اثر فوق به زودی به جامعه فرهنگی کشور عرضه گردد و زحمات چندین ساله جناب مهدوی احیا گردد.

حمیدرضا میرمحمدی

امامان شیعه و وحدت اسلامی، علی آقاواری، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، تابستان ۱۳۸۷، ۳۸۸ ص.



امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که در ضرورت تفاهم و تقریب مذاهب اسلامی شک و تردید نماید، چرا که مطالعات تاریخی و مشاهدات کنونی این حقیقت را ثابت کرده است که تفرقه‌ها و تشتت‌ها خواست دشمنان اسلام است. اما به رغم وضوح مطلب همچنان ابهامات بسیاری در معنا و مبنای تقریب و نیز حدود و ثغور آن وجود دارد و چشم انتظار مطالعات و تحقیقات نظری بسیاری است. مطالعه سیره، سخن و نوع رویکرد اهل بیت به مخالفان مذهبی از جمله میان‌برهایی است که می‌تواند ما را به تقریب درست و راهبردی رهنمون شود. گفتار و رفتار امامان شیعه در نقش الگوهای برتر دینی هم اهمیت و مکانت همگرایی

اسلامی را نشان می دهد و هم آفات و لغزشگاه هایی را که داعیان تقرب باید از آنها بر حذر باشند آفتابی می سازد.

این نوشتار به معرفی و بررسی کتاب امامان شیعه و وحدت اسلامی، اثر علی آقائوری، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم می پردازد که کوشیده میزان اهتمام پیشوایان شیعه به همدلی و وحدت مبنایی مسلمانان و همچنین راهکارهای تحقق این همدلی و موانع و آسیب هایی را که این آرمان اسلامی را تهدید می کند، نشان دهد.

این اثر در هفت فصل سامان یافته است. در انتهای کتاب نیز پیوست هایی آمده که دربرگیرنده نامه ها و بیانیه هایی در نکوهش افراط در تکفیر و نیز رفتارهای تفرقه افکنانه و پیامدهای زیانبار سب و لعن است.

مؤلف در فصل اول (کلیات) به تعریف و توضیح کلیات مهم برای ورود به بحث پرداخته است، کلیاتی از قبیل مراد از وحدت اسلامی، قرآن و وحدت اسلامی، پیامبر و وحدت اسلامی، موانع و مشکلات امامان در عصر حضور و اقسام مخالفان در عصر حضور اهل بیت.

وی وحدت را تبدیل گسستگی به همبستگی، و اگرایی به همگرایی، پراکندگی به پیوستگی، اختلاف نظر به وحدت نظر و تعیین هدفی مشترک و توافق برای برگزیدن راهی مشخص برای رسیدن به آن در نظر گرفته و بیان می کند در ترسیم الگویی از وحدت اسلامی با راه ها و تصورات گوناگونی روبه رو هستیم، چرا که نواندیشان، مصلحان و صاحبان هریک از عقاید و مذاهب مختلف اسلامی تلقی خاصی از این مقوله دارند.

وحدتی از نگاه مؤلف مانند گار است که بر پایه تقرب بین باورهای انواع مذاهب استوار باشد، تقریبی اساسی میان اصول و ارکان مذاهب و نه تقرب صوری و نمادین بین معدودی از اندیشوران چند مذهب.

آن گاه با بیان این مطلب که با ارائه راهکارهایی مناسب تر و علمی تر - که هم ریشه در راه و رسم اهل بیت دارد و هم بر مبنای دین استوار است - می توان به وحدت مطلوب و ماندگار اسلامی دست یافت به ویژگی های این نوع وحدت اشاره می نماید، این ویژگی ها عبارت اند از:

۱. در وحدت مطلوب اسلامی می بایست پذیرفت که مسلمانان به رغم اجتهادهای کلامی و فقهی و سیاسی مختلف امت واحده اند.

۲. برخورد و مواجهه فکری با دیگر گروه های رقیب باید بر

پایه مجادله احسن، مدارا و حسن معاشرت باشد.

۳. وحدت مطلوب و حقیقی مسلمانان را بر پایه مبانی و اصول دین بایست استوار ساخت و آن را به عنوان مطلوب فی نفسه یک وظیفه دینی دانست.

۴. در وحدت مطلوب اسلامی نبایست از باورهای هیچ گروهی لوازم ساختگی، ناخواسته و نامقبول آنان را برداشت نمود و به ایشان نسبت داد.

۵. وحدت طلبان واقعی به این نکته وقوف دارند که آنچه جامعه اسلامی را در گذشته و حال دچار آسیب و مشکل کرده و می کند، وجود دیدگاه های متنوع کلامی و فقهی و غیره نیست، بلکه مشکل اصلی را می بایست بیش از همه در نوع نگرش ها، برخوردها، سوء تفاهم ها، سیاه نمایی و احیاناً تحریک احساسات مذهبی جستجو کرد.

نویسنده در ذیل عنوان «قرآن و وحدت اسلامی» با بیان این نکته که ائمه قرآن را مهم ترین محور وحدت می دانستند و مکتبشان برگرفته از آموزه های آن است به نگاه کلی قرآن به پدیده وحدت اشاره کرده و آن را در دو محور تأکید بر وحدت و همدلی و نهی از تفرقه و راهکارهای ایجاد وحدت و جلوگیری از تفرقه بررسی می کند. آن گاه وی با ذکر این نکته که بیش از پنجاه آیه قرآن به موضوع اختلاف، وحدت و روش های کسب اتحاد و عوامل اختلاف پرداخته، به نمونه هایی از این آیات اشاره می کند. سپس به این موضوع مهم توجه می نماید که آنچه البته در فرهنگ قرآن و شریعت اسلام مدنظر و مورد اهتمام است، رعایت حدود و بیان معیارهای نظری و عملی و راه های روشمند و جهت مند کردن اختلاف است و نه ریشه کن کردن اصل آن؛ بنابراین باید به دو مورد مهم حق گرایی و دوری از بغی و عناد و نیز تمسک به کتاب و سنت توجه شود. همچنین مؤلف در ذیل عنوان «پیامبر (ص) و وحدت اسلامی» به بیان پاره ای از سخنان و سیره نبوی که با هدف اولیه ایجاد وحدت اسلامی صورت پذیرفته، به دعوت عمومی پیامبر به همبستگی و سیره عملی ایشان پرداخته است و برخی از تلاش ها و روش های عملی پیامبر را در ایجاد همدلی و وحدت اصحاب بیان می کند که عبارت اند از: تأسیس مسجد و تأکید بر اجتماع مؤمنان در نمازهای جمعه و جماعت؛ تشکیل امت واحده اسلامی؛ ایجاد پیوند اخوت ایمانی، میان افراد و گروه های مسلمانان؛ ایجاد وحدت ملی و همبستگی و پیمان نامه عمومی میان مردم؛ تعیین رسول اکرم (ص) به عنوان مرجع قانونی حل اختلافات و مبارزه

معقول با عادات و تعصبات جاهلی.

نویسنده در بخش دیگری از این فصل به موانع و مشکلات امامان در عصر حضور پرداخته و مهم‌ترین آنها را انواع فشار و اختناق سیاسی، رقابت‌ها و تنازعات درونی اصحاب شیعی، ظهور پدیده غلو و غالی‌گری و پدیده جعل، دس و تحریف احادیث بیان می‌کند.

در بخش پایانی فصل اول به اقسام مخالفان در عصر حضور اهل بیت اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: صاحبان ادیان و اندیشه‌های غیر اسلامی، خلفا و حاکمان سیاسی و مذاهب کلامی و فقهی. البته گفته‌اند است دسته اخیر بیشتر توجه اهل بیت را برانگیخته‌اند که می‌توان آنها را در سه گروه عمده پیروان مذهب عامه، فرقه‌های کلامی و فرقه‌های انشعابی شیعه جای داد.

نویسنده در بخش اول فصل دوم (ضرورت و جایگاه وحدت سیاسی-اجتماعی در سیره و سخنان ائمه) به سفارش ائمه به اجتماع و پرهیز از تفرقه پرداخته و دستور شریعت اسلام به وحدت اجتماعی و تأکید و سفارش امامان شیعه به این مهم را یادآوری و ارشاد به حکم عقل و سیره عقلا قلمداد می‌کند و در بخش دیگر این فصل به سیره عملی اهل بیت به ویژه علی (ع) پرداخته است و اهم رفتارهای وحدت طلبانه آن حضرت را بیان می‌نماید که عبارت‌اند از: سیاست صبر و سکوت؛ بیعت و مصالحه با نظام حاکم؛ مساعدت فکری و تصحیح اشتباهات حقوقی و قضایی؛ مشاوره و کارشناسی نظامی؛ برخورد حکیمانه امام علی (ع) در جریان شورش بر عثمان؛ سیره وحدت طلبانه امام علی (ع) در دوران خلافت خویش.

نگارنده این بخش را با کلام امام علی (ع) پایان می‌دهد که «صلح و سازش را مادامی که منجر به سستی پایه‌های اسلام نشود، سودمندتر از جنگ و خونریزی یافته‌ام» و در بخش بعدی به عنصر وحدت طلبی در صلح و قیام حسنین-علیهما السلام- می‌پردازد. وی با بیان این مطلب که امام حسن و امام حسین در روزگار خلفای راشدین پا به پای پدر بزرگوارشان حرکت می‌کردند و از این روی نمی‌توان مواضعی جدای از مواضع امام علی را برای آنها در نظر گرفت، به بررسی صلح امام حسن و قیام امام حسین می‌پردازد و اشاره به سیره وحدت طلبانه سایر امامان را پایان بخش این فصل می‌سازد و تلاش آنان را بر پایه حفظ اصل جلوگیری از تنش‌های سیاسی-اجتماعی بیان می‌نماید. وی یادآور می‌شود مسیر وحدت طلبی سایر امامان به گونه‌ای نبود که به قبول و تأیید نظام خلافت اموی و عباسی

بینجامد که از طریق قهر و غلبه یا فرصت طلبی به قدرت رسیده بودند، بلکه می‌بایست وحدت خواهی آنان را بر محور حفظ کیان سیاسی اسلام، تقویت کلیت دولت و نظام اسلامی و جلوگیری از نابودی آنان در مقابل بیگانگان تفسیر کرد.

«مبانی نظری و محورهای وحدت از نگاه امامان» عنوان فصل سوم است. مؤلف بیان می‌کند امر مهم اتحاد مسلمانان با سلاطین و افکار مختلف با صرف صدور دستور و بدون ملاحظه مبانی و اصول مشترک و ارائه چارچوب و محورهای مقبول همگان به هیچ وجه میسر نخواهد شد و از این رو امامان شیعه مبانی و شرایط و اصول مشخصی را ارائه کردند که توجه بدان‌ها می‌تواند بهترین پایه وحدت طلبی، رسیدن به اتحاد یا کاهش و جهت‌مند کردن اختلافات باشد. وی گوشزد می‌کند که مجموعه این موارد به پنج اصل محوری و وحدت بخش باز می‌گردد:

به رسمیت شناختن اختلاف سلیقه و اندیشه؛

محوریت قرآن؛

تمسک به سیره و سخن پیامبر (ص)؛

توجه به اصول مشترک دینی؛

اطاعت از رهبری دینی و سنت و سیره اهل بیت به عنوان روشن‌ترین راه بیان تعالیم قرآن و سنت نبوی.

مؤلف در فصل «راهکارهای تحکیم وحدت و تقریب مذهبی از نگاه امامان» بیان می‌دارد در مجموعه سخنان و اصول علمی اهل بیت راه‌های رسیدن به وحدت اجتماعی و مذهبی را می‌توان در سه محور کلی تبیین کرد که عبارت‌اند از: گزارش‌هایی که در آن به همبستگی و همگرایی مذهبی و شرکت و حضور اجتماعی در مراسم و شعائر مذهبی و مناسک عبادی دعوت می‌شود؛ گزارش‌هایی که از تلاش اهل بیت در ترویج محورها، زمینه‌ها، عوامل و راهکارهای عملی رسیدن به دوستی، پیوند اجتماعی و اخوت ایمانی حکایت دارد؛ گزارش‌هایی که در آن تلاش شده تا موانع دوستی و پیوند اجتماعی برطرف گردد. سپس وی به برخی از مهم‌ترین برنامه‌های امامان شیعه برای وحدت اشاره می‌کند: الف) حضور در عبادات و شعائر مذهبی-اجتماعی که در ذیل نماز جماعت، نماز جمعه و عیدین، تأکید بر فریضه حج، تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر تحقق می‌پذیرفت؛ ب) تأکید بر روابط اجتماعی و عاطفی و اخوت دینی در میان مسلمانان؛ پ) مدارا و اخلاف مداری در برخورد با مخالفان؛ خوش خلقی و ملایمت، پرهیز از پرخاشگری و ناسزاگویی، رعایت ملاحظات عاطفی و مذهبی مخالفان (نویسنده در این

مورد به بررسی سیره امام علی (ع) و سیره سایر امامان شیعه می پردازد و مواردی را به عنوان شاهد مثال بیان می کند، تأکید بر رعایت حقوق اجتماعی و مدنی. در اینجا به نوع برخورد حقوقی و میزان رسمیت داشتن و آزادی اندیشه های مخالف نزد امامان پرداخته می شود و بدین منظور سیره امام علی (ع) و دیگر امامان شیعه بررسی می گردد.

البته بایست گفت مؤلف برای روشن تر شدن مباحث پیش گفته و حدود و ثغور برخورد امامان با مخالفان مذهبی به بررسی ضوابط مدارا و تفاوت آن با مداهنه و سازگاری وحدت طلبی با بدعت گریزی می پردازد.

در انتهای این فصل برخی از احادیث اهل بیت درباره آداب معاشرت اجتماعی و فرایض عبادی - اجتماعی وحدت بخش در اسلام که از جامع احادیث الشیعه (جلد بیستم) گزارش شده، آمده است.

نگارنده در فصل پنجم (آثار و لوازم فکری پذیرش اختلاف) می نویسد امامان شیعه با پذیرش و به رسمیت شناختن تفاوت های فکری و اختلاف سلاقی و طبایع انسانی و وجود لایه های مختلف معنایی در آموزه های دینی، آثار و لوازم طبیعی و معقول آن را نیز به رسمیت می شناختند، آنان تلاش میکردند با جهت دهی صحیح این اختلافات به مشترکات دینی بپردازند و با گشودن باب اجتهاد بر پایه معیارهایی چون قرآن و سنت صحیح و تعقل زمینه را برای ظهور بیشتر آزادی و رشد اندیشه ها فراهم سازند. نویسنده در این فصل به مواردی از لوازم پذیرش اختلاف - که می توانست بیشترین تأثیر را در رفع تنازعات دینی و اجتماعی و ایجاد وحدت مبنایی داشته باشد - اشاره می کند که عبارت اند از:

تحمل دیگران و عدم تحمیل ایمان؛ ترک مخاصمه و ستیزه جویی در امور دینی؛ سفارش به رازداری و نهی از افشای اسرار؛ پرهیز از تکفیر طرفداران فرقه های اسلامی که یکی از روشن ترین ملزومات پذیرش اختلاف افکار و تعدد برداشت ها و اجتهادهای ضابطه مند است، البته به شرط تخطی نکردن از حوزه دین و مشترکات دینی.

قلمداد نگارنده در فصل ششم (منکران امامت و ولایت در آئینه احادیث) این است که اختلاف مبنایی مذهبی و کلامی از مهم ترین عوامل تنازع اندیشوران تقریب و مخالفان آن است. مخالفان بیشتر مبنایی فکری خود را با استناد به برخی از روایات و تمسک به ظاهر آنها سامان داده اند و با این روش می کوشند

دلسوزان وحدت اسلامی را خلع سلاح کنند.

آیا همه این روایات صحیح است یا خیر و بر فرض صحت سندی، دلالت روشنی بر مقصود و برداشت آنها دارد... سؤال هایی است که آنان باید پاسخ دهند. اما در مجموع نمی توان منکر شد که پذیرش و پابندی به ظاهر برخی از احادیث پیامدی جز مبنای مخالفان تقریب در پی نخواهد داشت. در نتیجه، نقد و بررسی ظواهر حساسیت برانگیز این دسته از روایات ضروری می نماید. این دسته از احادیث که البته از احادیث آحاد (خبر واحد) نیز می باشند، در قالب های مختلفی رسیده و عناوین متعددی از جوامع روایی را به خود اختصاص داده اند. نویسنده در این فصل به مضمون کلی برخی از آنها می پردازد که عبارت اند از: در برخی از روایات پذیرش یا رد اعمال عبادی مکلفان و ثواب و عقاب برای آنها مشروط به نوع رویکرد آنان به امامت و ولایت اهل بیت شده است؛ در دسته ای دیگر از روایات بر وجود معرفت یا ولایت امام تأکید و گفته شده است که عذر تارکان این مهم به هیچ وجه پذیرفته نیست.

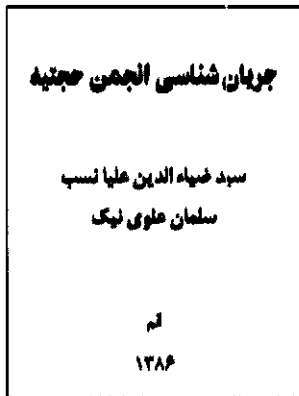
آن گاه نویسنده با بررسی و محتوای این روایات به پاسخ های متعدد اشاره کرده و برداشت فقیهان از این روایات را در پی می آورد و آن گاه به نمونه هایی از مثبت اندیشی امامان درباره مخالفان مذهبی اشاره می کند.

«بررسی احادیث افتراق امت» عنوان فصل هفتم است. نویسنده می گوید حدیث افتراق از احادیث مشهور منسوب به پیامبر است که با تعبیر مختلف در بسیاری از کتب روایی شیعه و سنی و ملل و نحل ها گزارش شده است.

مضمون اصلی و قرائت رایج تر این حدیث آن است که پیامبر (ص) فرمود: از میان امت های گذشته یهودیان به ۷۱ فرقه و نصاری (مسیحیان) به ۷۲ فرقه منشعب شدند و امت من نیز به ۷۳ فرقه منشعب خواهند شد و همان گونه که در میان امت های قبلی همه آنها جز یک دسته اهل جهنم یا در وادی گمراهی و هلاکت بودند، امت اسلام نیز دچار چنین سرنوشتی خواهد شد. در بخش پایانی نیز در بیان مصداق گروه ناجیه (راه یافته، یا اهل بهشت و رستگار) گزارش های متفاوت و احیاناً متضادی رسیده است.

مؤلف کتاب در این فصل به بررسی این گزارش ها می پردازد و با بیان این نکته که این حدیث به گونه های متفاوتی گزارش شده است، به بیان گزارش ها و تعبیر مختلف حدیث در سه دسته صدر، ذیل و بخش پایانی می پردازد.

جریان‌شناسی انجمن حجتیه، سید ضیاء الدین علیا نسب و سلمان علوی نیک، چاپ سوم، زلال کوثر، قم، ۱۳۸۶، ۲۲۴ ص.



فرهنگ دینی تشیع با آموزه‌ای به نام انتظار عجین گشته است و این آرزو که روزی حکومتی جهانی حول محور عدالت و ایمان برقرار شود و انسان‌ها به حقوق حقه خود برسند سابقه‌ای بس طولانی دارد. این انتظار را در تمام ادیان و مکاتب الهی و بشری به نوعی می‌توان سراغ کرد، اما انتظار در مکتب تشیع از جایگاه بس بلندی برخوردار است و در زمره برترین عبادات قرار گرفته است؛ از این رو درک صحیح مفهوم انتظار و فلسفه غیبت امری ضروری می‌باشد. در این راستا شاهد برخی گروه‌ها و جریان‌ها می‌باشیم که برخی اوقات انحرافات نیز در آنها مشاهده می‌شود. در کنار این امر رواج اندیشه اسلام منهای سیاست از دوره‌های گذشته همواره مدنظر حاکمان و سیاستمداران بی‌دین بوده و از سوی حاکمیت‌های غیردینی یا متظاهر به دینداری تقویت می‌شد.

انجمن مهدویه در سال ۱۳۱۲ تأسیس شد که عمده هدف ایشان دور نگه داشتن مردم از فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی و پیشبرد تر استعماری جدایی دین از سیاست بود. اندکی بعد در پی رویدادهای شهریور ۱۳۲۰ انجمن نام خود را به انجمن تبلیغات اسلامی تغییر داد. در سومین ماده اساسنامه آن بر وابسته نبودن احزاب سیاسی تأکید و هر نوع فعالیت سیاسی ممنوع شده بود. انجمن هدف خود را تنها به امور اخروی محدود کرده بود. عقیده ایشان این بود که باید فساد و آلودگی در جامعه گسترش یابد تا زمینه ظهور حضرت صاحب الزمان فراهم شود. این انجمن در فروردین ۱۳۲۱ رسماً موجودیت خود را اعلام نمود. در میان بنیانگذاران این انجمن افرادی مانند عطاءالله شهاب پور، حشمت‌الله دولتشاهی، شیخ محمود تولایی مشهور به حلبی و عده‌ای دیگر را می‌توان نام برد.

سه نظریه درباره‌ی عامل تشکیل انجمن و رابطه آن با حکومت

وی در ذیل تفاوت گزارش‌ها از صدر و ذیل حدیث به دو نکته اشاره می‌کند: دسته‌ای از آنها تنها به بیان دسته‌بندی فرقه‌ها و تعدادی از آنها به این دسته‌بندی در امت‌های گذشته و افزون بر آن در امت اسلامی پرداخته و هیچ اشاره‌ای به نجات و هلاکت دسته یا دسته‌های خاصی نکرده‌اند؛ در دسته‌ای دیگر - که حجم عمده گزارش‌های این حدیث را تشکیل می‌دهد - نه تنها به اصل افتراق صاحبان ادیان قبلی و نیز مسلمانان اشاره شده، بلکه به بحث هلاکت و نجات یا دوزخی و بهشتی بودن عده‌ای از آنها نیز پرداخته شده است. در این دسته از گزارش‌ها اشاره شده که از ۷۱ فرقه یهودی، ۷۲ فرقه مسیحی و ۷۳ فرقه مسلمان جز یک فرقه اهل دوزخ یا در ضلالت و هلاکت‌اند. روایتی دیگر از میان ۷۳ فرقه سه فرقه را اهل نجات و بقیه را جهنمی می‌داند. در مقابل این دسته از روایات روایات غیر مشهوری وجود دارد که تمامی ۷۳ فرقه اسلامی به جز زنادقه را اهل نجات و بهشتی می‌داند. آن‌گاه نویسنده به اختلاف ویژگی‌ها و اسامی فرقه‌ها ناچیه و هالکه اشاره می‌کند. سپس به پیامدهای کلامی - فرقه‌ای حدیث افتراق پرداخته و مهم‌ترین پیامد آن را تکثیر و تطبیق فرقه‌های موجود بر مضمون عددی حدیث افتراق (۷۳) و اثبات صحت معطوفات عددی آن معرفی می‌کند.

نویسنده در این فصل با آوردن چند نمودار تأثیر پذیری برخی از نویسندگان مشهور دانش فرقه‌شناسی از حدیث افتراق، اسامی و تعداد فرقه‌ها و مذاهب اسلامی (بر اساس کتاب مفاتیح العلوم محمد بن احمد خوارزمی)، فرقه‌های ۷۳ گانه بر اساس کتاب عقائد الثلاث و السبعین فرقه (اثر ابو محمد یمنی)، فرقه‌های ۷۳ گانه بر اساس گزارش کتاب تلبیس ابلیس (اثر ابن جوزی)، اسامی و تعداد اصلی و انشعابی فرقه‌های اسلامی بر اساس کتاب هفتاد و سه ملت (اثر نویسنده ناشناخته) و اسامی و تعداد فرقه‌های شیعی بر اساس کتاب مشهور ملل و ذحل را نشان می‌دهد. نویسنده در پایان این فصل به نقد و بررسی محتوایی حدیث پرداخته و مشکلات این حدیث را برمی‌شمارد، از جمله ناسازگاری محتوا و پیام این حدیث و پیام این حدیث با برخی از آیات و روایات دیگر اهل بیت و پیامبر.

در خاتمه می‌توان به این مهم اشاره کرد که اندیشه وحدت اسلامی منشأ دینی و مذهبی داشته و برگرفته از کتاب و سنت است.

سید جواد میرعلی